

## محمدرضا شجریان

تنت به ناز طیبیان نیازمند مباد  
وجود نازکت آزرده گزند مباد  
سلامت همه آفاق در سلامت توست  
به هیچ عارضه شخص تو دردمند مباد

مجدداً فرا رسیدن سال نوی شمسی را به تمام دوستان تبریک می گویم و سالی مشحون از سلامتی و رضایت باطن برای یکایک عزیزان آرزو می کنم.....

اول فرودین ماه بهار امسال با انتشار خبری حزن انگیز همراه بود: بیماری سرطان پیشرفته محمدرضا شجریان، سرطانی که کلیه و مغز را درگیر کرده است. من هم مانند کثیری از هموطنان، خاطرات دل انگیز انبوهی با آلبوم های استاد شجریان دارم و در جلوت و خلوت و سفر و حضر، غزلیات حافظ و سعدی و مولوی را با صدای استثنایی ایشان به کرات شنیده و هر از گاهی آنها را با خود زیر لب زمزمه کرده ام. تصور اینکه آن نازنین دیگر کنسرت نداشته باشد و آثار تازه ای از او انتشار نیابد، برایم به غایت سخت است. تا کنون سه بار در کنسرت های شجریان شرکت کرده ام: دو بار در شهر لندن به اتفاق پدر و برخی از دوستان، یکبار هم در کالیفرنیا. دوباری که لندن به کنسرت رفتم، استاد شجریان به همراه همایون شجریان، حسین علیزاده و کیهان کلهر برنامه اجرا کرد؛ در کالیفرنیا به همراه مژگان شجریان و مجید درخشانی و سایر نوازندگان. هروقت مغموم و کسل می شوم، معجون غریب کمانچه کلهر و تارعلیزاده و صدای شجریان ها را گوش می کنم و به سبکی پر می رسم و احوالی کبوترانه را تجربه می کنم.....

محمد رضا شجریان فقط به سبب حنجره استثنایی، آلبوم های ماندگار و «رَبَّنَا» نیست که چنین محبوبیت و ارج و قربی میان مردم دارد و بدل به شخصیتی ملی شده، بلکه کنش های مدنی، جسارت و «صدای خس و خاشاک بودن» اش نیز قطعا در این میان نقش ایفا کرده است. با دیدن بخشی از پیام نوروزی که در آن شجریان برای پرویز مشکاتیان و محمدرضا لطفی ابراز دلتنگی می کند، دلم به اندازه بک ابر گرفت: «وجود نازکت آزرده گزند مباد